

Explanation and analysis of Iconographical of Palm Tree in Art of Jiroft

Esmail Sangari*

Parisa Salehi**

Abstract

Jiroft, which according to some researchers and archaeologists, is identical and tantamount to Mesopotamia civilization, has a rich context of admirable and valuable ancient materials. These materials, appeared out of the ground due to a flood in 2002AD, are sign of a culture of thousand years in this region of Iran, which could be said to have been dormant in this landscape for several millennia. These materials are regarded as relaters of ancient culture of the jiroft, that in case of being decoded, they have so many unsaid about mythological debates, rituals, beliefs and notions dominating on the society of their own period. Analyzing the three works containing the leitmotiv of palm tree, this study aims to conceive non-written language of culture of Jiroft by which, they assist in renovation of context and framework of this ancient culture. By using the descriptive-analytical method, observation of discovered works and relying on archeological data and library research, this study aims to analyze and portrait the leitmotiv of the palm tree in art of the Jiroft.

Keywords: Art of Jiroft, Palm Tree motif, Iconography, Iconology, Mesopotamia.

* Associate professor of Ancient History University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding Author),
e.sangari@ltr.ui.ac.ir

** MA in Ancient History of Iran, University of Isfahan, Isfahan, Iran, salehiparisa752@yahoo.com

Date received: 2023/05/12, Date of acceptance: 2023/09/13



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی و تحلیل نمادشناسانه نقش مایه درخت نخل در هنر جیرفت

اسماعیل سنگاری*

پریسا صالحی**

چکیده

جیرفت که به باور برخی از پژوهشگران و باستان‌شناسان، همسان و همپایه میان‌رودان رخ می‌نماید، بستری غنی از آثار باستانی ارزشمند دارد. این آثار که به واسطه وقوع سیلی در سال ۱۳۸۰ خورشیدی سر از زیر خاک برآوردند، خیر از فرهنگی چند هزار ساله در این خطه از سرزمین ایران دادند که می‌توان گفت برای چند هزاره در این خاک خفته مانده بود. این آثار که راویان فرهنگ کهن جیرفت قلمداد می‌شوند، چنانچه رمزگشایی گردند، ناگفته‌های بسیاری از مباحث اساطیری، آیین‌ها، اعتقادات و باورهای جامعه زمان خویش را بازگو خواهند کرد. این پژوهش بر آن است تا با واکاوی سه مورد از آثار دربردارنده نقش مایه درخت نخل، در فهم زبان غیر نوشتاری فرهنگ جیرفت کوشش نماید و بدین‌وسیله در بازسازی بافت و ساختار آن یاری رساند. پژوهش حاضر بر آن است تا با بهره‌گیری از رویکردهای مطرح در شمایل‌نگاری و شمایل‌شناسی، به درک راز پنهان در سه اثری بپردازد که نقش مایه درخت نخل را در دل خود به تصویر کشیده‌اند و با نگاهی موشکافانه به عناصر و کنشگرهای سازنده آثار مذکور، در جست‌وجوی صدایی ناشنوده و گم مانده در ژرفای این فرهنگ پرشکوه باشد که زمان شکل‌گیری آن به سه هزار سال پیش از میلاد باز می‌گردد. بدین‌سان، این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی، مشاهده‌گری آثار مکشوفه، با تکیه بر داده‌های باستان‌شناختی و

* دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)، e.sangari@ltr.ui.ac.ir

** کارشناسی ارشد، تاریخ ایران باستان، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، salehiparisa752@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۲



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

پژوهش کتابخانه‌ای، چگونگی تصویرگری نقش نخل در هنر جیرفت را مورد واکاوی قرار داده است.

کلیدواژه‌ها: هنر جیرفت، نقش مایه درخت نخل، شمایل‌نگاری، شمایل‌شناسی، میان‌رودان.

۱. مقدمه

۱.۱ بیان مسئله

انسان همواره در طول تاریخ، نگرشی نمادین به پدیده‌های مختلف داشته و استفاده از نمادها را به عنوان روشی مناسب برای بیان مفاهیم ذهنی خود تلقی کرده است. بدین‌سان، آثار فراوانی را از خود طی دوره‌های مختلف تاریخی بر جای گذاشته که هر یک شامل تعداد زیادی از این نمادها است. این نمادهای طبیعی که انسانی، حیوانی یا گیاهی بوده‌اند و متناسب با شرایط آن دوره خاص تاریخی و با الهام از طبیعت و ویژگی‌های نزدیک به جهان مادی خلق شده‌اند، در بطن خود رموز فراوانی را نهفته دارند که کشف این اسرار و رموز می‌تواند پرده از بسیاری ناشناخته‌های تاریخی بردارد و بینشی عمیق‌تر از آن فرهنگ را به انسان عصر جدید اعطا نماید. بنابراین منطقی نیست اگر به تصویر کشیده شدن چنین نقوش زیبا و پرمفهومی را در آثار مختلف فرهنگ‌های دیرین از جمله جیرفت، بدون منظور و هدف خاصی برای القای مفاهیمی مشخص از سوی گذشتگان مان‌پنداریم.

در این پژوهش برای خوانش تصویر، روش پانوفسکی و پژوهشگران پساپانوفسکی نظیر کلیم کایت مبنای مطالعه قرار گرفته و نقوش در سه بخش توصیف پیش‌شمایل‌نگارانه، تحلیل شمایل‌نگارانه و تفسیر شمایل‌شناسانه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. تلاش بر این خواهد بود تا با استفاده از این روش به تبیین و تحلیل سه اثر منقوش به نقش مایه نخل پرداخته شود چرا که نمادگرایی یا رمزپردازی قدیمی‌ترین و اصولی‌ترین روش بیان مفاهیم است. در حقیقت در هر فرهنگ باستانی، تنها چیزی که بدون ایجاد هیچ تغییری به فرهنگ‌ها و دوره‌های بعدی منتقل شده همین نمادهای به کار رفته در آثار منقوش است. بنابراین یافتن مفهوم و منظور اصلی از به کار رفتن این نمادها، می‌تواند به روشن شدن قسمت‌های تاریک فرهنگ‌های کهن یاری رساند و ما را به بیانی روشن و دقیق‌تر از فرهنگ‌های باستانی رهنمون سازد.

۲.۱ پیشینه پژوهش

زمان زیادی از کشف فرهنگ جیرفت نمی‌گذرد بنابراین هنوز دامنه مطالعات در این زمینه به حد قابل قبولی نرسیده است. همچنین در هیچ یک از پژوهش‌هایی که تا کنون صورت گرفته به صورت مستقل به نمادهای گیاهی منقوش در آثار به‌دست آمده از این فرهنگ پرداخته نشده است. در زمینه پژوهش‌های فرهنگ جیرفت، نامورترین محقق-باستان‌شناس یوسف مجیدزاده بوده که در کتاب خود تحت عنوان «جیرفت، کهن‌ترین تمدن شرق» مجموعه آثار کشف شده از این فرهنگ را به صورت تصاویری نفیس گرد آورده است. همچنین مجیدزاده در این پژوهش اطلاعات و ویژگی‌های مربوط به هر شیء کشف شده را مشتمل بر شکل، جنس، موضوع منقوش بر آن، قطر، طول، ضخامت، عرض و بلندی شیء را آورده است (مجیدزاده، ۱۳۸۲). ژان پروو نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «نگاهی به نقوش بازمانده از جیرفت» تلاش کرده تا از خلال مطالعه تصاویر ظروف و اشیای فرهنگ جیرفت به تصور و اندیشه مردمان آن دوره تاریخی راه یابد. پرو معتقد است شناخت فرهنگ جیرفت گام ارزشمندی در یافتن رذپای انسان در مسیر تمدن تاریخی می‌باشد. این محقق فرانسوی در مقاله مذکور که در ۸ صفحه نوشته شده است، سعی نموده تا به بررسی تزیینات و نقوش ظروف جیرفت بپردازد و از این رهگذر بدین سؤال پاسخ دهد که انسان‌هایی که در این فرهنگ می‌زیسته‌اند چه دیدگاهی در مورد جایگاه خود در جهان داشته‌اند (پروو، ۱۳۸۶). «آیکونوگرافی نماد پلنگ و مار در آثار جیرفت هزاره سوم قبل از میلاد» عنوان پژوهش دیگری است که به کوشش جلال‌الدین رفیع‌فر و مهران ملک نگاشته شده است. نویسندگان این مقاله کوشیده‌اند تا به یاری روش آیکونوگرافی به درک معنایی نقش نمادین پلنگ و مار در دست‌ساخته‌های سنگ کلریتی جیرفت بپردازند، در این راستا آن دو همچنین کوشیده‌اند تا به بازسازی بافت فرهنگی این دوره از تاریخ جیرفت و شیوه‌های بازنمود باورهای این دوره بپردازند (رفیع‌فر و ملک، ۱۳۹۲).

۳.۱ اهمیت و ضرورت پژوهش

اگرچه فرهنگ جیرفت دارای قدمتی بسیار دیرینه بوده، اما سالیان سال زیر خاک مدفون بوده است. آثاری که آغاز سده بیست و یکم از این فرهنگ کشف شد، موجب حیرت و شگفتی مورخان و باستان‌شناسان جهان شده است. بنابراین می‌توان گفت که بررسی ابعاد مختلف این فرهنگ می‌تواند پرده از بسیاری ابهامات تاریخی بردارد و گوشه‌ای از هزارتوی گنجینه ایرانی را فروزان نماید. اما با وجود اهمیت فزاینده این فرهنگ و پیرنگ شدن آن در

همایش‌های بین‌المللی، مایهٔ تعجب است که هنوز تحلیل اساسی و بنیادین از هنر بی‌نظیر آن انجام نگرفته و بدتر آن که آثار آن هم مورد هجوم و غارت جمع‌کنندگانی قرار گرفته که شاید اصالت و عمق ارزش این آثار را نشناخته‌اند. بدین‌سان، بایسته است در راستای درک بهتر رازهای نهان در بطن این فرهنگ کهن، مطالعات و پژوهش‌های بیشتری صورت گیرد.

۲. بحث

۱.۲ درصد پراکندگی نقش‌مایهٔ درخت نخل نسبت به دیگر نقش‌مایه‌های گیاهی در

هنر جیرفت

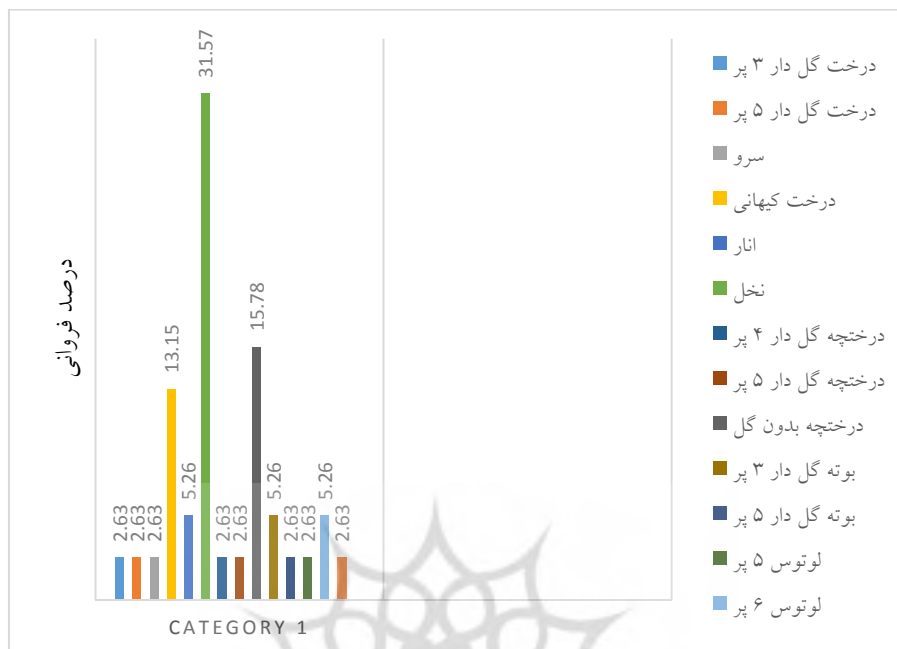
از مجموع ۲۲۰ اثری که توسط مجیدزاده و هیئت همراه ایشان از فرهنگ جیرفت کشف شد و البته تعداد آثار مکشوفه نیز در «جیرفت، کهن‌ترین تمدن شرق» مضبوط است، تعداد ۲۸ اثر، با نقش‌مایه‌های گیاهی (به صورت مستقل و ترکیبی) تزیین شده‌اند. این نقش‌مایه‌های گیاهی توسط پژوهشگران حاضر در چهار گروه دسته‌بندی شدند که برخی از آن‌ها با فراوانی بیشتر و برخی با فراوانی کمتر در آثار جیرفت به چشم می‌خورند.

همان‌طور که نمودار نیز نشان می‌دهد بیشترین میزان پراکندگی نقوش گیاهی، مربوط به نقش‌مایهٔ درخت می‌شود که این برآورد میزان اهمیت و ارزش درخت را در میان بومیان جیرفت باستان نشان می‌دهد. درخت به دو دلیل از اهمیت فراوانی میان مردمان باستان برخوردار بوده است: ۱. نقش درخت در ریشه‌های اعتقادی و باورهای بشر از دوره‌های پیش از تاریخ تا عصر حاضر ۲. نقش درخت در تأمین نیازهای غذایی و اولیهٔ بشر.



نمودار دایره‌ای ۱. پراکندگی نقوش گیاهی در هنر چیرفت پژوهش و طرح از نگارندگان

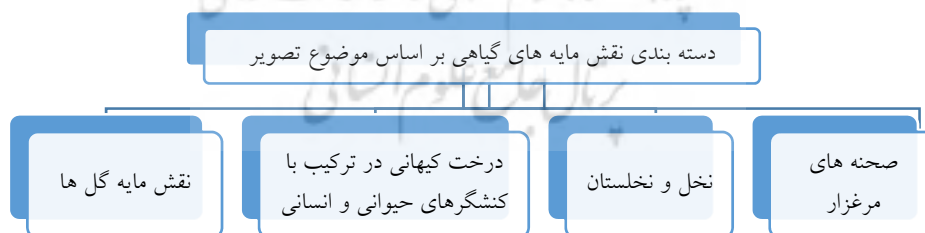
با توجه به اعداد و ارقام، از میان ۵۸٪ آثاری که نقش مایه درخت را به تصویر کشیده اند؛ در حدود ۳۲٪ آن به نقش مایه درخت نخل اختصاص یافته است. از آنجا که شرایط جغرافیایی و آب و هوایی منطقه جیرفت، این ناحیه را به مکانی مناسب جهت به عمل آمدن درخت نخل تبدیل کرده، میوه این درخت قوت غالب مردم بومی جیرفت را از دیرباز تا کنون فراهم کرده است. بنابراین طبیعی به نظر می‌رسد که همگام با نقش مؤثر درخت نخل در برطرف ساختن نیازهای اولیه مردم، تعداد نقش مایه‌های نخل بر آثار مکشوفه از جیرفت نیز نسبت به دیگر نقوش، غالب باشد؛ به صورتی که از میان ۲۸ اثری که مزین به نمادهای گیاهی هستند، ۱۲ اثر نقش درخت نخل را به تصویر می‌کشند و تعداد ۱۶ اثر، دیگر نمادهای گیاهی را نمایش می‌دهند؛ یعنی چیزی در حدود نیمی از آثار، نقش درخت نخل را بر بدنه خود به صورت کنده‌کاری شده نشان می‌دهند. در نمودار میله‌ای زیر درصد پراکندگی هر یک از نقش مایه‌های گیاهی به کار رفته در آثار هنری جیرفت دیده می‌شود. ستون سبز رنگ که نشان‌گر نقش مایه نخل است با اختلاف مشهودی نسبت به سایر نقش مایه‌ها دارای بیشترین میزان پراکندگی است:



نمودار میله ای ۱. درصدگیری از میزان پراکندگی نقش مایه های گیاهی پژوهش و طرح از نگارندگان

۲.۲ معرفی کلی گروه نخل و نخلستان در هنر جیرفت


نقش مایه های گیاهی به کار رفته در آثار مکشوفه از فرهنگ جیرفت را بر اساس موضوع تصویری که در بردارند، می توان در ۴ گروه دسته بندی کرد:





نمودار درختی ۱. دسته بندی نقش مایه های گیاهی بر اساس موضوع تصویر پژوهش و طرح از نگارندگان

گروه نخل و نخلستان را می‌توان در دو گروه مجزا تفکیک نمود: گروه اول که در آن‌ها نخل یا گروهی از درختان نخل مستقل از کنشگرهای حیوانی دیده می‌شوند و گروه دوم که نخل در ترکیب با کنشگرهای حیوانی بر بدنه ظروف نقش‌نگاری شده است. در دو جدول ذیل مشخصات کلی آثار قرار گرفته در هر یک از دو گروه آورده شده است:

جدول ۱. آثار نمایشگر صحنه نخل و نخلستان، مستقل از سایر کنشگرها


موضوع	شکل	نوع سنگ	قطر دهانه (cm)	قطر کف (cm)	تصویر
طرح ریسمانی و چهار نخل	تنگ مخروطی	سنگ صابونی	۱۲/۳	۱۳/۳	
نخلستان	ظرف استوانه‌ای	سنگ صابونی	۵/۲	۵/۲	
نخلستان	ظرف استوانه‌ای	سنگ صابونی	۱۷	۱۶/۴	
نخلستان	ظرف استوانه‌ای	سنگ صابونی	۸/۵	۸/۵ (ارتفاع ۵/۵)	
نخلستان	ظرف استوانه‌ای	سنگ صابونی	۸/۵	۸/۵ (ارتفاع ۵/۲)	

	۶	۵/۴	سنگ صابونی	تنگ مخروطی	دو نخل
	عرض کیف: ۹/۵	طول کیف: ۱۸/۵	سنگ صابونی	مانند به کیف	سه نخل در یک سو و طرح بوریا در سوی دیگر

پژوهش و طرح از نگارندگان

جدول ۲. آثار نمایشگر صحنه نخل و نخلستان در ترکیب با کنشگرهای حیوانی

موضوع	شکل	جنس	قطر دهانه (cm)	قطر کف (cm)	تصویر
شیر در نخلستان و گاو از پشت بر زمین افتاده	تنگ مخروطی کوچک	سنگ صابونی	۴	۵/۲	
دو شیر نشسته در نخلستان	تنگ مخروطی کوچک	سنگ صابونی	۶/۶	۷/۶	
رویارویی ماده شیرها با یک شیر نر	ظرف استوانه ای	سنگ صابونی	۱۰/۷	۶/۴	

	عرض کف: ۹/۵	طول کف: ۱۸/۵	سنگ صابونی	مانده به کف	سه نخل در یک سو و عقرب‌ها در سوی دیگر
---	-------------	--------------	------------	-------------	---------------------------------------

پژوهش و طرح از نگارندگان

۳. اثر نخست: شیر در نخلستان و گاو از پشت بر زمین افتاده

این اثر که بر روی یک تنگ مخروطی کوچک و از جنس سنگ صابون نقش‌نگاری شده است به لحاظ ارتباط مفهومی خاص میان تمامی عناصر و کنشگرهای حاضر در تصویر، یکی از آثار بی‌نظیر مکشوفه از جیرفت و نمونه‌ای از شاهکارهای این فرهنگ به حساب می‌آید. تنگ مخروطی که در بر دارنده تصویری پر رمز و راز است با قطر دهانه‌ای معادل ۴ سانتی‌متر و قطر کفی برابر ۵/۲ سانتی‌متر ساخته شده و همچنین این تنگ ۸/۶ سانتی‌متر ارتفاع دارد. خوشبختانه گذر زمان و زیر خاک مدفون ماندن این شی با ارزش برای چندین دهه، آسیب جدی به تنگ و تصویر منقوش بر بدنه آن وارد نساخته است.



شکل ۱. شیر در نخلستان و گاو از پشت بر زمین افتاده

منبع: مجیدزاده، ۱۳۸۲: ۳۷

۱.۳ توصیف پیش‌شمایل نگارانه

در تصویر مزبور، چند عنصر حضور دارند که عبارت‌اند از: شیر، گاو، عقاب و درخت نخل. شیر حاضر در تصویر با چشمانی گرد که دارای حفره‌هایی برای تزیین سنگ نشانی است به

صورت فاتحانه بالای سر گاو واژگون ایستاده است. همچنین نقش عقابی نیز درست بالای سر شیر دیده می‌شود که گویی در حال فرود آمدن در پای درخت نخل است. حالت باز دهان شیر، خشم و خروش را در چهره او نمایان می‌کند. همچنین چشمان عقاب بالای سر شیر نیز به صورت گرد و مشابه با چشمان شیر حکاکی شده است. در حالی که چشم گاو با حالتی بیضی مانند که بیشتر مشابه چشمان انسان‌های منقوش در دیگر آثار جیرفت است ترسیم شده است. هر سه کنشگر جانوری یعنی شیر، گاو و عقاب، در پای درخت نخلی قرار گرفته‌اند که بسیار پر بار بوده و خوشه‌های پر محصول آن به وضوح در تصویر دیده می‌شوند. نگارگر از به‌کاربردن اشکال هندسی کوچک و به هم ریخته که به شکل مورب هستند در ترسیم تنه درخت نخل مدد جسته تا آن را واقعی‌تر و عینی‌تر نشان بدهد.

۲.۳ تحلیل شمایل نگارانه

ترکیب تمامی اجزا و کنشگرهایی که پای درخت نخل دیده می‌شوند، بیانگر یک داستان تاریخی یا اساطیری می‌توانند باشند که مخصوص دوره زمانی شکل‌گیری این اثر بوده است. بنابراین لازم است که ابتدا به بررسی مفاهیم نمادین هر یک از این نقش‌ها پرداخته شود. تصویر شاخص در این اثر درخت نخل است، «خوشه‌های خرما، نماد حاصلخیزی در مصر و بین‌النهرین به شمار می‌آید. بعضی از نخستین تصویرهای درخت مقدس ظاهراً نخل را نشان می‌دهد.» (هال، ۱۳۸۰: ۲۸۸). اشاره به نماد حاصلخیز بودن نخل در دیگر فرهنگ‌ها نیز آمده است. بنابراین می‌توان استنباط کرد که وجود نخل در یک تصویر در درجه اول اشاره به تقدس و برکت و حاصلخیزی در آن منطقه دارد.

آنچه از مفهوم گاو برداشت می‌شود نیز بی‌ارتباط با مفهوم برآمده از نخل نیست. گاو را نیز با مفهوم باروری و زایش مرتبط دانسته‌اند و با توجه به کارایی این حیوان در کشت و زرع آن را نیز به حاصل‌خیزی در یک منطقه می‌توان مربوط دانست. «گاو نر یا ورزا برای ایرانیان کشاورز به منظور زراعت و شخم و شیار زمین، یاور بسیار گران‌بهایی بود. در گاهان غالباً پرورش ورزا برای زراعت توصیه شده است.» (قلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۸۹). عنصر دیگری که در تصویر دیده می‌شود، شیر است. شیر در غالب منابع دربردارنده مفهوم قدرت و شهریاری است. در اثر فوق نیز شاهد فائق آمدن شیر بر گاوی هستیم که پای درخت نخل قربانی شده است.

«شیر مظهر خورشید و شهریاری و نیز زروان است. شیر به عنوان طلسم قدرت و شاهی بر روی پلاکی مربوط به دوره هخامنشی هم دیده می‌شود.» (همان: ۱۶۲).

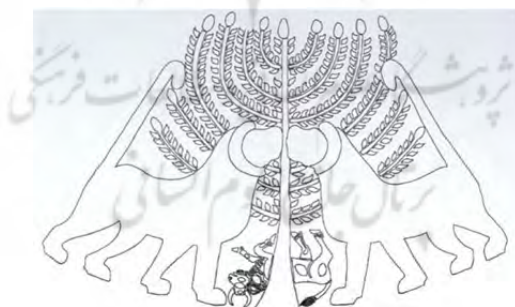
۳.۳ تفسیر شمایل‌شناسانه

نگاه موشکافانه به حادثه اتفاق افتاده در پای درخت نخل، راز پنهان در اندیشه هنرمند این اثر را برملا می‌سازد و ذهن مخاطب را به سمت و سوی خلق یک فرضیه هدایت می‌کند. می‌دانیم که گاو و شیر دو مؤلفه جدایی‌ناپذیر آیین مهرپرستی بوده که پیوندی ناگسستنی با آن داشته و معرف این آیین به شمار می‌آیند. نبرد مهر و گاو از اساطیر آیین مهری محسوب می‌شود. بنا به این اسطوره، این گاو نخستین جانوری بود که اورمزد آفریده بود. مهر گاو را در چراگاهی می‌یابد و شاخ‌های او را به دست می‌گیرد و بر او سوار می‌شود، ولی گاو او را از پشت خود به پایین می‌اندازد. مهر که شاخ او را همچنان در دست داشت، در کنار او می‌دود تا او را به غاری می‌برد. گاو دوباره فرار می‌کند و مهر به دنبال او می‌دود تا سرانجام او را می‌یابد و به دستور ایزد بزرگ او را می‌کشد تا از تن او حیات گیاهی و جانوری پدید آید (بهار، ۱۳۷۶: ۳۲). در واقع، تصویر گاوی که زیر درختی افتاده بیانگر انجام عمل قربانی برای خدایی گیاهی است که مطابق با روایت‌های اساطیری از خون او حیات گیاهی به وجود می‌آید.

چنین تصویری که از خون گاو قربانی شده گیاه روئیده می‌شود در دوره‌های مختلف تاریخی نیز دیده می‌شود. مجیدزاده این عمل قربانی کردن را برپا داشتن نوعی آیین ویژه قلمداد می‌کند و بر این باور است که قسمت عمده آیین‌هایی که بشر ابتدایی و حتی بشر پیشرفته اجرا می‌کند با برکت همراه است. از این رو، آیین قربانی کردن پدید می‌آید، گاو کشته می‌شود و از قربانی او حیات نباتی و گیاهی زاده می‌شود (مجیدزاده، ۱۳۸۲).

قربانی کردن جانوران، رسمی عمیقاً نمادین بود. از نظر عبرانیان و بعدها از دیدگاه رومیان، به منزله میثاقی با یکی از خدایان به شمار می‌رفت. در آغاز آن رسم را در سال نو و جشن‌های بهاری در میان‌رودان و نقاط دیگر با قربانی کردن گاو نر، قوچ یا بز، برای تأمین درو پر برکتی انجام می‌دادند. تصویر پرستشی از میترا که گاوی را می‌کشد، خوشه‌های گندمی را نشان می‌دهد که از خون این حیوان جوانه می‌زنند... به نظر می‌رسد که این مراسم از ایران نشأت گرفته و با پرستش ایزدبانوی مادر کوبله (در ۲۰۴ پ.م) به روم رسیده باشد. (هال، ۱۳۸۰: ۸۷-۸۶).

بدین سان، بر پایه شواهد ذکر شده می توان گفت که گاو و شیر دو مولفه مهم و اصلی در آیین مهرپرستی هستند. مهر غالباً در شکل نمادین یک شیر تجلی می یابد که با کشتن گاو، رویش حیات نباتی را به جهانیان ارزانی می دارد. بنابراین می توان به صورت یک فرضیه، تصویر درخت نخل، شیر و گاو واژگون در پای درخت را که در این اثر مکشوفه از جیرفت دیده می شود یکسان با روایت اصلی حاکم بر آیین مهرپرستی برشمرد؛ زیرا تصویر مؤید اصلی ترین مولفه آیین مذکور، یعنی قربانی شدن گاو برای رویش حیات گیاهی است. آن چنان که یاحقی نیز بر این باور است که در ازمنه کهن، ماه، معرف زمستان با روزهای سرد و کوتاه و خورشید، نشان از تابستان با روزهای گرم و بلند بوده است. در آیین میترا، گاو که خود مظهر ماه و زمستان است، به دست مهر، مظهر خورشید و تابستان، کشته می شود و در نتیجه نباتات متعدد می رویند (یاحقی، ۱۳۸۶: ۲۸۰). بنابراین می توان بر پایه دیدگاه یاحقی فرض کرد که به کاربردن نقش درخت نخل با تکراری بیشتر نسبت به دیگر نقش مایه های گیاهی به کاررفته در آثار جیرفت، پیام دیگری را نیز القا می کند. با قرار دادن این تصویر در کنار دیگر تصاویر مکشوفه از جیرفت که شباهت های ظاهری و مفهومی با آثار به دست آمده از آیین مهرپرستی دارند تنها یک نتیجه استنباط می شود و آن هم احتمال وجود آیینی شبیه به آیین مهرپرستی در میان مردمانی است که در سه هزار سال پیش از میلاد در منطقه جیرفت زندگی می کرده اند. چنین تفکری که از خون گاو کشته شده، حیات نباتی شکل می گیرد در چند اثر دیگر مکشوفه از جیرفت نیز تکرار شده که این خود بر فرضیه ذکر شده توسط محقق در این بخش دامن می زند.



شکل ۲. نمونه ای دیگر از تصویر قربانی گاو پای درخت برای رویش حیات گیاهی

منبع: مجیدزاده، ۱۳۸۲: ۴۰.

۴. اثر دوم: طرح ریسمانی و چهار نخل

این تنگ مخروطی از جنس سنگ صابون دارای قطر دهانه ۱۲/۳ سانتی‌متر، قطر کف ۱۳/۳ سانتی‌متر و ارتفاعی معادل ۲۳/۵ سانتی‌متر است؛



شکل ۳. طرح ریسمانی و چهار نخل

منبع: مجیدزاده، ۱۳۸۲: ۱۱۰

۱.۴ توصیف پیش‌شمایل نگارانه

تصویر منقوش بر تنگ، چهار نخل همراه با خوشه‌های پر بار خرما را به نمایش می‌گذارد که دورتادور ظرف نقش‌نگاری شده‌اند. صحنه به تصویر کشیده شده بر سطح این تنگ مخروطی را می‌توان به دو فضای مجزا تفکیک کرد: در فضای اول که قسمت بالای تنگ را اشغال کرده تصویر حکاکی شده چهار نخل، و در فضای دوم که قسمت قاعده تنگ را پر کرده، یک طرح ریسمانی پیوسته است که در دو لایه دور تا دور تنگ را در بر گرفته است. این طرح ریسمانی می‌تواند نشانگر امواج یک رود باشد. قسمت دهانه تنگ اندکی آسیب دیده و در چند قسمت دچار شکستگی شده، ولی خوشبختانه به طرح اصلی که روی سطح بدنه این تنگ نقش‌نگاری شده، آسیبی وارد نشده است.

۲.۴ تحلیل شمایل نگارانه

همان‌طور که گفته شد از مجموع ۲۸ اثری که از میان ۲۲۰ اثر مکشوف از جیرفت با نمادهای گیاهی تزیین شده‌اند، در ۱۲ اثر نقش درخت نخل دیده می‌شود؛ یعنی ۴۲٪ از کل آثار منقوش به نمادهای گیاهی. این برآورد بدین معنی است که در حدود نیمی از آثار دارای نقش‌مایه‌های

گیاهی، تصویر درخت نخل را نمایش داده‌اند. همچنین می‌توان بدین محاسبه این را هم افزود که ۵/۵٪ از کل آثار مکشوفه از جیرفت منقوش به درخت نخل هستند. بنابراین مطابق با محاسبات صورت گرفته، نخل یقیناً اهمیتی شایان توجه نزد مردمان آن دوره داشته است. این که نخل را در آثاری چند مشاهده می‌کنیم بررسی دلیل اهمیت نخل را طلب می‌کند. دلیل اهمیت نخل را در دو مورد می‌توان جستجو کرد:

۱.۲.۴ تبلور اعتقادات و باورهای گذشتگان

نخل یکی از کهن‌ترین درختانی است که در اغلب کشورهای جهان آن را نماد مقدس و مهمی به‌شمار می‌آورند. این درخت را از این جهت که پیوسته سرسبز است مظهر جاودانگی می‌دانند و از آن به عنوان میوه بهشتی یاد می‌کنند. همچنین خوشه‌های آن را نمادی از برکت و حاصل‌خیزی دانسته‌اند.

این گیاه که در ایران باستان به خاطر زیبایی، مقاومت و برکت، درخت زندگی لقب داشته، به حدی با توجه و تکریم ایرانیان رو به رو بوده که در اکثر هنرهای ایران پیش از اسلام تصویر و تأثیر آن را می‌توان مشاهده کرد. (پورجوهر و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۷).

به دلیل حضور فراوان این درخت در منطقه جیرفت، به تدریج باورها و عقاید پیرامون آن شکل گرفت چونان که نخل با اسطوره در آمیخت. بدین سبب نخل به جایگاه معنوی بالایی دست یافت تا جایی که به مهم‌ترین عنصر رده درختان مقدس تبدیل شد. اعتقاد به تقدس درخت نخل تنها مختص به سرزمین ایران نمی‌شود بلکه تبلور چنین بینشی را در دیگر سرزمین‌ها و ادیان نیز شاهد هستیم: «در دیانت مسیح، برگ درخت خرما نماد و نشانه شهادت و روح شهادایی است که در راه دیانت حضرت مسیح جان باخته‌اند.» (یوسفی؛ الدراوشه، ۱۳۹۵: ۱۳۱).

۲.۲.۴ برآورده ساختن نیازهای اولیه غذایی و درمانی گذشتگان

می‌توان گفت تمامی قسمت‌های تشکیل‌دهنده نخل دربردارنده فوایدی برای بشریت بوده و آن‌چنان در زندگی مردم و به ویژه ساکنان جنوب کشور که در خاستگاه اصلی کشت این درخت زندگی می‌کرده‌اند، ریشه دوانده بود که مردم این نواحی با توسل به این درخت امرار معاش می‌کرده‌اند. در چوب، شاخ و برگ، میوه، هسته، روغن و گل‌های درخت خرما

رازهای غذایی و دارویی متعددی وجود دارد. در حقیقت از آن‌جا که خرما از معدود میوه‌های موجود در صحراست خصوصیات و ویژگی‌های تغذیه‌ای و درمانی زیادی را از طبیعت وام‌گرفته تا بتواند برطرف‌کننده احتیاجات مردمی باشد که در صحرا هستند و از امکانات محدودی برخوردار می‌باشند. احتمالاً بومیان منطقه جیرفت از خواص و ویژگی‌های موجود در تمامی اجزای این درخت آگاهی داشته‌اند و بدین‌خاطر، تصویر این درخت را با فراوانی بیش‌تری نسبت به سایر نقوش گیاهی در آثار خود ترسیم کرده‌اند. در جدول زیر بخشی از اسرار تغذیه‌ای و دارویی این درخت جادویی آورده شده است:

جدول ۳. خواص درمانی و تغذیه‌ای بخش‌های مختلف درخت نخل

بخش‌های مختلف درخت نخل	خواص درمانی و تغذیه‌ای
برگ و شاخه	تهیه سبب و فرش
هسته خرما	تهیه نان به واسطه آرد کردن هسته - تهیه غذای مقوی برای شترها به واسطه چند روز خیس‌اندن آرد هسته خرما - تهیه پماد برای التیام زخم به واسطه دم کردن هسته خرما سبز - استفاده از پوسته سفید نازک موجود روی هسته خرماي خارک به عنوان دارو توسط شکسته‌بندها
میوه خرما	تهیه شراب و شیره خرما - ذخیره‌کننده انرژی خورشیدی و انتقال آن به بدن انسان - انرژی‌زا و کمک به بازیابی قدرت جوانی - برطرف‌کننده عفونت‌های ریوی - رفع التهاب - شستشو دهنده خون از مواد زائد - افزایش فعالیت‌های فکری به واسطه فسفر موجود در میوه خرما - رفع ضعف اعصاب و خستگی - تقویت بینایی
گل‌های درخت خرما	خاصیت دارویی
خوشه خرما	تقویت کار قلب و کبد با استفاده از اسپات خوشه نر خرما
روغن خرما	بهبود زخم معده و سر درد

طرح از نگارندگان؛ منبع مطالب متن: یوسفی؛ الدراوشه، ۱۳۹۵: ۱۳۱-۱۳۳.

کاربرد تغذیه‌ای و درمانی و نیز قداست نخل برای گذشتگان، هنرمندان آن برهه زمانی را به انعکاس چنین نقش مهمی از نخل در آثاری که خلق می‌کرده‌اند، واداشته بود. از همین روست که نقش نخل را به ویژه به صورت گروه نخل‌های قرار گرفته در کنار هم با فراوانی بیشتری در آثار جیرفت می‌بینیم.

۳.۴ تفسیر شمایل‌شناسانه: ارتباط میان طرح ریسمانی با ۴ نخل منقوش در تصویر

در قسمت قاعده این تنگ مخروطی طرح ریسمانی دیده می‌شود که تداعی‌کننده نقش امواج یک رودخانه است. آب و رود در طول تاریخ پیوسته اصلی‌ترین مؤلفه برای شکل‌گیری یک فرهنگ بوده‌اند. همچنان که دیده می‌شود تمامی فرهنگ‌های بزرگ در گذشته در کنار یک رود بزرگ شکل گرفته‌اند. بدین‌سان، پرآبی هلیل‌رود عاملی شد برای گسترش فرهنگ کهن جیرفت در حوزه آن، همچنین عامل برکت و حاصل‌خیزی در میان مردمانی شد که در آن منطقه می‌زیستند. آب همچنین یکی از چهار عنصر اصلی حیات است که از لحاظ معنوی جایگاه مقدسی در اذهان مردمان گذشته و اکنون دارد؛ چنان‌که همواره برای آب ایزدبانوانی را در نظر می‌گرفتند و با پرستش آن‌ها، مقام رود و آب را گرامی می‌داشتند: «آب عنصر نخستین است که همه چیز از آن آفریده شد و بنابراین یک نماد باستانی برای زهدان و باروری و همچنین نماد تطهیر و نوزایی بود.» (هال، ۱۳۸۰: ۱۹۵).

اما ارتباط میان طرح ریسمانی و چهار نخل منقوش در تصویر را از چهار جهت می‌توان مورد بررسی قرار داد:

الف. «آب زنده، آب زندگی، به عنوان نماد آفرینش عرضه می‌شود و چون تصفیه می‌کند، شفا می‌بخشد، دوباره جوان می‌کند و به ابدیت می‌پیوندد.» (شوالیه؛ گبران، ۱۳۸۷: ۱۲). می‌توان گفت که نخل نیز نمادی از جاودانگی است و در زمره درختان زندگی شمرده می‌شود؛ بنابراین ترکیب نخل و طرح ریسمانی تداعی‌کننده امواج رودخانه، می‌توانند نمادی از جاودانگی باشند.

ب. از آن‌جا که هم نخل نماد برکت و حاصل‌خیزی است و هم آب نماد جهانی حاصل‌خیزی و باروری است پس ترکیب نقش این هر دو بر روی تنگ مخروطی می‌تواند بیان‌گر طبیعت سرسبز و بهشت‌گونه خطه جیرفت بوده باشد. از سویی همان‌طور که در طرح روی تنگ دیده می‌شود تصویر چهار نخل در فضای بالای تصویر و طرح ریسمانی آب بر فضای دوم که در قسمت قاعده تنگ نقش‌نگاری شده است، می‌تواند نشانگر وابستگی رشد درختان نخل به جریان آب و نیز معرف هلیل‌رود به عنوان سرچشمه حیات نباتی باشد.

ج. شاید راز مستور دیگری که بر این تصویر حکم فرماست، تعداد درختان نخلی است که در کنار یکدیگر و بر روی طرح ریسمانی امواج آب قرار گرفته‌اند:

بررسی و تحلیل نمادشناسانه نقش‌مایه ... (اسماعیل سنگاری و پریسا صالحی) ۱۲۱

فیثاغورث و همکارانش اعتقاد داشتند که همه نمودهای جهان، چه آسمانی و چه زمینی انعکاسی از اعداد در عالم عینی هستند. از نظر افلاطون اعداد نشان‌دهنده هماهنگی عالم هستند و تفکر ارسطو بر این دلالت دارد که عدد، منشأ و جوهر همه چیز است یا به عبارتی آن‌ها را دارای شعور و خالق در نظر می‌گرفتند. (حاجی علی عسگر و مومنی، ۱۳۹۲: ۲۴).

پس می‌توان گفت که در نظر گرفتن چهار نخل در کنار هم یقیناً برگرفته از اندیشه نگارگر نسبت بدین عدد بوده است. عدد چهار در اصلی‌ترین مفهوم و نماد خود به چهار عنصر و چهار جهت اصلی اشاره دارد و این مهم‌ترین مؤلفه‌ای است که این عدد را نزد اغلب مردم جهان مقدس ساخته است. همچنین با بررسی طرح‌هایی که از بهشت کشیده شده، می‌توان دید که اغلب نمودی مربع (مستطیل) شکل دارند و دارای چهار در هستند. فراموش نکنیم که باور بر این است که چهار رودخانه در بهشت وجود دارد که شکل صلیب دارند (حاجی علی عسگر و مومنی، ۱۳۹۲: ۲۴) اسماعیل‌پور و آقاعباسی در پژوهش‌های خویش اشاره دارند که چشمه‌ای که در میانه باغ بهشت زمینی و در پای درخت زندگی می‌جوشد، در طول چهار نهر به سوی چهار جهت اصلی روان می‌شود. سرچشمه حیات و بی‌مرگی و طول عمر و جوانی جاوید یا سرچشمه علم و معرفت و رمز تجدید حیات و تصفیه باطن است (اسماعیل‌پور، ۱۳۷۷: ۲۰؛ آقاعباسی، ۱۳۸۹: ۶۰). همچنین اعتقادی که در باب رود برین در سنت یهودی وجود دارد نیز درخور توجه است:

رود برین در سنت یهودی رود برکت، رحمت، و اثرات آسمانی است. این رود در امتداد محور جهانی، به طور عمودی سرازیر می‌شود؛ سپس به طور افقی از مرکز حرکت می‌کند و به سمت چهار جهت اصلی منشعب می‌شود؛ و تا انتهالیه دنیا می‌رود که همان چهار رود بهشت زمینی هستند. (شوالیه؛ گریبان، ۱۳۸۷: ۳۸۵-۳۸۴).

بنابر آنچه گفته شد، طرح چهار نخل منقوش بر روی این تنگ مخروطی، به نظر بیش از همه به چهار رودخانه موجود در بهشت اشاره دارد که این چهار رود در چهار جهت اصلی روان می‌شوند. همان‌طور که دیده می‌شود قرار گرفتن چهار نخل روی امواج آب که احتمالاً معرف هلیل‌رود است بدین فرضیه دامن می‌زند که چهار نخل، مظهر چهار رود جاری در بهشت بوده که احتمالاً استعاره‌ای از خطه سرسبز جیرفت نیز بوده‌اند و به سمت چهار جهت اصلی زمین - شمال، جنوب، خاور و باختر - جاری شده و حیات و سرسبزی را به سایر قسمت‌ها نیز منتقل می‌سازند.

د. همچنین تصویر روی این تنگ مخروطی می‌تواند مفهوم دیگری را نیز در برداشته باشد. هلیل رود اصلی‌ترین و پرآب‌ترین رودخانه جیرفت است که از چهار کوهستان سرچشمه می‌گیرد و پس از گذر از منطقه جیرفت، در نهایت به باتلاق جازموریان می‌ریزد. این چهار کوهستان عبارت‌اند از: بافت، هزار، لاله‌زار و بحرآسمان. بنابراین چنین استنباط می‌شود که بومیان جیرفت در سه هزار سال پیش از میلاد از این سرچشمه‌های رود هلیل آگاهی داشته‌اند و لذا تاثیر فراوان این رود در زندگی مردم آن دوره، هنرمند را واداشته تا چهار کوهستانی را که هلیل رود از آن‌ها نشأت می‌گرفته و پرآب بودنش را وامدار آن‌ها بوده به صورت چهار نخل روی امواج آب رودخانه به تصویر بکشد.

بنابر آنچه آمد، داده‌هایی را که از این تصویر برداشت می‌شود در چهار مورد می‌توان خلاصه کرد: (۱) نمادی از بی‌مرگی و جاودانگی؛ (۲) نماد برکت و حاصل‌خیزی در منطقه جیرفت؛ (۳) تداعی‌کننده چهار رود جاری در بهشت که در چهار جهت روانه شده و سرسبزی و حیات را به تمام نقاط زمین سرایت می‌بخشند؛ (۴) نشان‌دهنده چهار کوهستانی که هلیل رود از آن‌ها سرچشمه می‌گیرد.

۵. اثر سوم: نخل‌ها و عقرب‌ها



شکل ۴. سه نخل در یک سو و عقرب‌ها در سوی دیگر

منبع: مجیدزاده، ۱۳۸۲: ۱۲۷

۱.۵ توصیف پیش‌شمایل نگارانه

این اثر به شکل یک شیء کیف‌مانند و با ابعادی که کوچک به نظر می‌رسند ساخته شده است. بلندی این شیء با دسته‌اش $۱۸/۳$ و قطر دسته آن تنها سه سانتی‌متر است. این شیء بسیار باریک بوده و با ضخامت بدنه‌ای به اندازه سه سانتی‌متر ساخته شده؛ طول و عرضی به ترتیب معادل $۱۸/۵$ و $۹/۵$ سانتی‌متر دارد. ابعاد کوچک این شیء متفاوت، نوع کاربرد آن را در جیرفت باستان در هاله‌ای از ابهام فرو برده است. این اثر نیز از جنس سنگ صابون ساخته شده و در هر دو سوی آن هنرمند نقوشی را به تصویر کشیده است. روی دسته کیف کاملاً ساده و بدون حجاری بوده و نقوش تنها در سطح بدنه کیف حکاکی شده‌اند. یک طرف کیف نمایش‌گر سه نخل در کنار هم می‌باشد که به وسیله طنابی به یکدیگر مرتبط شده‌اند و در سمت دیگر کیف نیز نقش حکاکی شده چهار عقرب دیده می‌شود.

۲.۵ تحلیل شمایل نگارانه

نمونه این اشیای کیف‌مانند در چند مورد دیگر از مجموعه آثار جیرفت نیز دیده می‌شوند، لذا کاربرد دقیق و قطعی هنوز برای آن‌ها مشخص نشده است.

این اشیا می‌توانند در کاربرد اجسامی طلسم‌گونه به کار رفته باشند یا شاید به عنوان وزنه در بازار اقتصادی آن دوره استفاده می‌شدند، هرچند هنوز نمی‌توان به طور قطع هدف سازنده و هنرمند را از ساخت چنین شیء بخصوصی دانست. (مجیدزاده، ۱۳۸۲: ۷).

نقش عقرب در اغلب نقوش جیرفت به صورت سنگ نشانی شده دیده می‌شود و حتی چنین تزیینی در مورد عقرب، تنها محدود به قسمت خاصی از او نشده و تمام سطح بدن عقرب‌ها در بسیاری از آثار مکشوفه از جیرفت را در بر می‌گیرد. در تصویر منقوش بر این شیء کیف‌مانند هیچ‌گونه حفره‌ای جهت تزیین سنگ نشانی تعبیه نشده است. بدین‌سان، می‌توان این چنین فرض کرد که از آن‌جا که تزیین سنگ نشانی برای ایجاد خاصیت طلسم‌بخشی به اشیا و ایجاد مصونیت در برابر موجودات گزندرسان مورد استفاده قرار می‌گرفته، عدم چنین تزیینی در مورد این اثر، احتمال مفروض تعویذی بودن این شیء را رد می‌نماید و بنابراین می‌توان محتمل‌ترین فرض را در کاربرد وزنه بودن آن دانست. بنابراین احتمالاً شیء مزبور، در دنیای اقتصادی جیرفت باستان، استفاده‌های بی‌شماری داشته است. هرچند که هنوز فرض تعویذی بودن آن نیز می‌تواند محتمل باشد: «روزگاری چنین تصور می‌رفت که تصاویر یک موجود

زیانکار، دارای قدرت جادویی دفع خود این موجود زنده (و دیگر زیانکاران) را دارد... تعویذهای کزدم، مصریان را بر ضد نیش‌های زهرآلود حفاظت می‌نمود.» (هال، ۱۳۸۰: ۸۲).

۳.۵ تفسیر شمایل‌شناسانه

در راستای یافتن ارتباط معنایی و مفهومی که در بطن نقشی است که دو طرف این شیء کیف مانند وجود دارد می‌توان به ماهی اشاره نمود که عقرب، علامت منطقه البروج آن در نظر گرفته می‌شود:

در اخترشناسی، عقرب هشتمین علامت منطقه البروج، و ماه میانی پاییز است؛ وقتی باد برگ‌های زرد را پراکنده می‌کند و حیوانات و درختان خود را برای یک زندگی جدید آماده می‌کنند. برج عقرب در آن واحد، نماد مقاومت، جوش و خروش و مرگ است... عقرب که جشن قدیسان (اول نوامبر) در آن واقع می‌شود، یادآور طبیعت است، زمان فروریختن برگ‌ها و به صدا در آمدن ناقوس مرگ گیاهان و بازگشت به کائوس ماده نخستین است تا که خاک تولد دوباره زندگی را مهیا کند. (هال، ۱۳۸۰: ۳۰۲)

احتمال می‌رود که عقرب‌های منقوش بر یک سوی این شیء کیف مانند، که علامت ماه هشتم منطقه البروج هستند - یعنی زمانی که برگ‌ها می‌ریزند و حیات گیاهی برای دوره‌ای از سال از بین می‌رود تا دوباره در ماهی از سال که قوچ علامت منطقه البروج آن است، زنده شوند و حیاتی دوباره بیابند - با تصویر آن سوی کیف ارتباط معنایی می‌یابد که سه نخل را در کنار هم به تصویر می‌کشد. از آنجا که نخل درختی همیشه سبز بوده و هیچ‌گاه خزان ندارد و پیوسته سرسبز است، به تصویر کشیدن آن، درست در نقطه مقابل تصویر عقرب‌ها که نمایانگر ماهی از سال هستند که حیات گیاهی رو به افول می‌باشد، احتمالاً بیانگر طبیعت سبز و سرزنده جیرفت حتی در ماه هشتم سال باشد که در آن طبیعت خفته است.



شکل ۵. نمونه‌هایی از دیگر اشیای کیف مانند مکشوفه از جیرفت

منبع: مجیدزاده، ۱۳۸۲: ۱۲۹-۱۲۳

۶. نتیجه‌گیری

نقش‌مایه‌های نقر شده بر روی اشیای مکشوفه از جیرفت تاکنون محل بحث و نقد و نظرهای متفاوتی بوده است. بنا بر نظر برخی از پژوهشگران احتمال می‌رود این شواهد با فرهنگ ارت مطابقت کند یا حداقل به عنوان بخشی از قلمروی پادشاهی باستانی ارت مورد شناسایی قرار گیرد. این شواهد باستان‌شناختی در واقع، اصلی‌ترین رابط میان ما و انسان‌های ساکن در جیرفت باستان هستند. به نوعی این نقش‌مایه‌ها زبان غیرنوشتاری بومیان جیرفت باستان بوده که به ما کمک می‌کنند تا روزنه‌ای بر تفکرات و اندیشه‌ها، باورها و اعتقادات و نیز اساطیر حاکم بر روزگار آنان بگشاییم و به واسطه همین پل ارتباطی، به درون ذهن نگارگر خالق این آثار در دنیای باستان سفر کنیم تا بتوانیم قدم به قدم به شناخت مهد فرهنگ بشری نزدیک شویم.

در میان نمادهای گیاهی منقوش بر آثار مکشوفه از فرهنگ جیرفت، نخل فراوان‌ترین نماد گیاهی بوده که به دلیل اقلیم گرمسیری این منطقه، به فراوانی در این خطه رشد می‌کند. ریشه‌های اعتقادی و نیز مصارف کاربردی این درخت خاص، از عوامل اصلی تکرار بیشتر این نوع نقش‌مایه نسبت به دیگر نمادها هستند، به گونه‌ای که در حدود نیمی از آثار منقوش به نمادهای گیاهی، نخل را به تصویر کشیده‌اند. همچنین تکرار بیشتر این مولفه گیاهی را می‌توان حاکی از نگاه خالق این آثار به طبیعت منطقه‌ای که در آن می‌زیسته است؛ قلمداد نمود زیرا نخل نمادی از برکت و حاصل‌خیزی است و در نتیجه انعکاس تصویر آن با فراوانی بیش‌تر نسبت به دیگر نمادهای گیاهی در هنر جیرفت، می‌تواند نشانگر پوشش گیاهی سرشار و سرسبز در جیرفت باستان باشد. فراموش نکنیم که زمان زیادی از طلوع مجدد فرهنگ جیرفت نمی‌گذرد؛ بنابراین هنوز ابعاد مختلف آن مورد بررسی کامل و دقیق قرار نگرفته و لذا بازسازی بافت فرهنگی و تاریخی آن با دشواری‌هایی همراه است. در حال حاضر به دلیل شناسایی نه چندان متقن دقیق خط و کتیبه‌ای از فرهنگ جیرفت باستان -جز یک مورد با نوع خطی که رمزگشایی آن طبق گفته مجیدزاده به دلیل نبود همسان و مشابهی در نوع خط به‌کاررفته، حداقل به ۴۰ سال زمان برای رمزگشایی نیاز دارد و البته در چند سال اخیر دیدگاه‌هایی درباره رمزگشایی آن توسط دوسه و دیگران مطرح شده- تنها می‌توان به فرضیه‌سازی در رابطه با ساختار این فرهنگ پرداخت و در انتظار پژوهش‌های باستان‌شناسی بیش‌تر برای کشف رازهای نهان این فرهنگ بود. مثال تصویر گاوی که پای یک درخت قربانی می‌شود و از خون او حیات نباتی شکل می‌گیرد، در چند اثر مکشوفه از فرهنگ جیرفت تکرار شده که با کنارهم قرار دادن تمامی اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده این تصاویر می‌توان پرده

از بخشی از اعتقادات و باورهای مذهبی حاکم بر آن دوره برداشت. نمونه‌ای از این موارد که تصویرگاری کشته‌شده پای یک درخت نخل را نشان می‌دهد، در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفته است. با بررسی دقیق و موشکافانه اجزای تشکیل دهنده هریک از تصاویر به دست آمده می‌توان به ابهامات دیگری نیز در خصوص این فرهنگ کهن پاسخ داد.

کتاب‌نامه

- اسماعیل پور، ابوالقاسم (۱۳۷۷). *اسطوره بیان نمادین*، تهران: سروش.
- آقاعباسی، زهرا (۱۳۸۹). *نقش مایه‌های نویافته حوزه هلیل رود*، کرمان: نشر دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۶). *از اسطوره تا تاریخ*، تهران: چشمه.
- پروو، ژان (۱۳۸۶). «نگاهی به نقوش بازمانده از تمدن جیرفت». *مجله آینه خیال*، ترجمه زهرا نوائی، ۱(۲).
- پور جواهر، سحر؛ عارف، محمد؛ اژدریان شاد، زلیخا (۱۳۹۸). «درخت نخل در آیین اسطوره و تاریخ». *کنفرانس بین‌المللی هنر، معماری و کاربردها*، دانشگاه باهات، چنای، هندوستان، شماره ۳.
- حاجی علی‌عسگر، ندا؛ مومنی، کوروش (۱۳۹۲). «تجلی عدد چهار در طرح معماری آتشکده‌های ایران». *مجله معماری و شهرسازی آرمان شهر*، شماره ۲۱.
- رفیع‌فر، جلال‌الدین؛ ملک، مهران (۱۳۹۲). «آیکونوگرافی نماد پلنگ و مار در آثار جیرفت (هزاره سوم قبل از میلاد)». *مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، ۳(۴).
- شوالیه، ژان؛ گریبان، آلن (۱۹۰۶). *فرهنگ نمادها*، ترجمه سودابه فضایی: ۱۳۸۷. تهران: جیحون.
- قلی زاده، خسرو (۱۳۹۲). *دانشنامه‌ی اساطیری جانوران و اصطلاحات وابسته*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۸۲). *جیرفت کهن‌ترین تمدن شرقی*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- هال، جیمز (۱۹۱۷). *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب*، ترجمه رقیه بهزادی: ۱۳۸۰. تهران: فرهنگ معاصر.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۶). *فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی*، تهران: فرهنگ معاصر.
- یوسفی، حامد؛ الدراوشه، مهدی (۱۳۹۵). *حکیم باشی (اعجاز دارویی گیاهان)*، تهران: محبان‌الحسین (ع).